

# افعال غیرمادی و نقش آن در تحقق جنایت عمدی در فقه و حقوق کیفری ایران

توحید حاجی پور<sup>۱</sup>

## چکیده

مطالعه نوع رفتار و فعل مرتکب در جنایت عمدی و چگونگی بروز آن در عالم خارج و نحوه تأثیرگذاری بر وقوع آن، از دیرباز مورد بحث و بررسی میان فقها و حقوقدانان بوده است. گاه ممکن است فعلی ملموس، مادی و قابل رؤیت از مرتکب سر بزند؛ اعم از اینکه اثری عینی و ملموس بر اندام فرد باقی گذارد؛ مانند جنایت ناشی از زدن چاقو یا اثری عینی و قابل رؤیت نگذارد؛ مانند جنایت ناشی از ایجاد ترس و گاه بدون اینکه اساساً فعلی ملموس و عینی و قابل رؤیت از پیکره مرتکب صادر شود مانند سحر و جادو، جنایتی رخ می‌دهد. با توجه به اهمیت این موضوع در نحوه تحقق جنایت و چگونگی انتساب آن به مرتکب، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی ماهیت فعل ارتكابی جنایت‌آمیز و ماهیت اثر آن بر موضوع جنایت، پرداخته است. در این پژوهش نشان داده شده است، فعل غیرمادی مقصود حقوقدانان که فعلی است عینی و ملموس و مادی با اثر غیرملموس و غیرعینی بر بدن قربانی، تعبیر صحیحی به نظر نمی‌رسد بلکه این فعل قسمی از فعل مادی است که واسطه و سبب جنایت در آن امر غیر ملموس تلقی می‌شود. بنابراین رفتار و فعل مرتکب در ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی، نه فعل غیر مادی بلکه فعل تسبیبی واسطاً غیر مادی است؛ یعنی افعال عینی از مرتکب در عالم خارج واقع می‌شود اما آنچه در پی این رفتار حاصل می‌شود هراس و رعب که است که منجر به جنایت می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** تسبیب واسطاً غیر مادی، تسبیب واسطاً مادی، جنایت عمدی، فعل مادی، فعل غیرمادی.

در مطالعه رفتار مرتکب در قتل عمدی، نوع فعل مجرمانه و نحوه ارتکاب آن، مورد تفکیک و بررسی قرار می‌گیرد. مراد از نوع فعل ارتكابی، ماهیت آن است که ناظر به ذات وجودی فعل است. از این منظر، فعل مجرمانه به دو نوع مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود. لذا زمانی که بحث از فعل مادی یا غیرمادی می‌شود، با توجه به اینکه مادی یا غیرمادی بودن به نفس فعل ارتكابی و صرف نظر از طریقه ارتكاب مربوط می‌شود، بحث، ماهیتی و مربوط به نوع فعل است. در مقابل، نحوه ارتكاب فعل در قتل عمدی قرار می‌گیرد که ناظر به شکل ارتكاب فعل و طریقه رسیدن به نتیجه در قتل عمدی است که آن را می‌توان به با واسطه یا تسبیبی و بلاواسطه یا مباشرتی تقسیم نمود. در نحوه ارتكاب، ماهیت فعل مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه این طریقه ارتكاب فعل است که در عالم خارج بحث می‌شود. لذا بحث از نوع فعل، بحثی در ماهیت آن و بحث از نحوه فعل، بحثی در شکل ارتكاب است. مقاله حاضر به بررسی نوع فعل ارتكابی در قتل عمدی می‌پردازد، همان‌طور که بیان شد به فعل مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی دارای آثار حقوقی و عملی است و با توجه به تفاوت در ماهیت، نتایج و طریقه اثبات که گاه تحقق قتل عمدی را نیز متأثر می‌کند، بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. اما معیار تقسیم‌بندی فوق چیست و چگونه فعلی را می‌توان مادی یا غیرمادی دانست؟ آیا معیارهای ارائه شده در حقوق ایران تمامی انواع فعل در قتل عمدی را در بر می‌گیرد؟ آیا برخورد به جسم مجنی‌علیه و نوع صدمه وارده، نوع فعل را مشخص می‌کند؟ آیا غیرمادی بودن صدمه، موجب غیرمادی بودن فعل نیز می‌شود؟ آیا می‌توان افعال منجر به صدمات معنوی را کافی برای تحقق قتل دانست؟ در ادامه، برای پاسخ به این سؤالات و پرسش‌های دیگری از این دست، ابتدا نوع فعل ارتكابی در قتل عمدی را به طور کلی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ سپس به تحقق قتل عمدی با فعل مادی و در نهایت به تحقق قتل عمدی با فعل معنوی خواهیم پرداخت.

## ۱- فعل غیر مادی در قتل عمدی

حقوق دانان کیفری، نوع فعل ارتكابی در قتل عمدی را به مادی و غیرمادی (معنوی) تقسیم کرده‌اند و تحقق قتل عمدی با هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حقوق دانان کیفری در تألیفات خود، این مطلب را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌اند، دو نوع فعل مذکور را مورد تعریف قرار دهند، برای مثال در مورد فعل مادی، برخی از آنان چنین نوشته‌اند: «گاه ممکن است رفتار ارتكابی فرد یک تأثیر و صدمه ملموس و قابل رؤیت بر جسم قربانی باقی بگذارد. این اثر می‌تواند بریدگی، شکستگی، سوختگی، سوخته شدن یا پارگی ظاهری اندام بدن مجنی‌علیه و نظایر آن‌ها باشد» (صادقی، ۱۳۹۲: ۶۰). به عبارت دیگر «گاهی فعل به شکل اصابتی یا مادی است که همگی به معنای وارد آوردن آسیب به عضو دیگری با آثار ملموس و مادی است. بنابراین افعال اصابتی اعم از افعالی است که مستقیم یا غیر مستقیم و یا با وسیله یا بدون وسیله منتهی به صدمه به اعضا گردد» (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۶). از دیدگاه برخی دیگر از حقوق دانان «در مباشرت مادی، رفتار ارتكابی با جسم مجنی‌علیه در واقع نوعی رفتار فیزیکی است و در عالم خارج قابل لمس و رؤیت می‌باشد (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۶۳). «فعل مرتکب باید عملی مثبت و مادی همانند: سوزاندن، خوراندن و زدن باشد به عبارت دیگر لازم است که قاتل عملی مادی بر روی جسم مقتول انجام دهد» (سپهوند، ۱۳۸۶: ۳۸).

همچنین در خصوص تعریف فعل غیر مادی اشعار داشته‌اند: «گاه عمل ارتكابی بدون این که اثر ظاهری بر اندام فرد باقی گذارد، با ایجاد ترس، هراس، وحشت، اضطراب و هیجان و تأثیرگذاری بر سیستم عصبی و روان وی موجب مرگ یا ورود صدمه به وی می‌شود» (صادقی، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲). «فعل غیر اصابتی یا غیر مادی فعلی است که بدون اصابت بر تمامیت جسمانی طرف،

منتهی به مرگ یا آسیب‌های منفعتی یا حسی می‌گردد» (آقای نی، ۱۳۹۳: ۶۶) و «فعل معنوی فعلی است که بدون تماس جسمی جانی با مجنی‌علیه واقع شده و اثری بر روی جسم مجنی‌علیه باقی نگذارد» (پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۱۹).

با توجه به این تعاریف حقوقدانان معلوم می‌شود که مبنای تقسیم‌بندی افعال به مادی و غیرمادی در قتل، ماهیت فعل ارتكابی نیست و مهم نمی‌باشد که ماهیت فعل ارتكابی مادی است مثلاً تیر اندازی کند، یا غیر مادی است مثل انجام فعل مجرمانه از طریق سحر و جادو یا از طریق ترک فعل موضوع ماده ۲۹۵ ق.م.ا. بنابراین آنچه مبنای این نوع تقسیم‌بندی از نظر حقوق‌دانان قرار گرفته است تأثیر ناشی از این نوع افعال است که در افعال مادی یا اصابتی، اثر ملموس و ظاهری و مادی، و در افعال غیر مادی، تأثیر غیر ملموس و غیر قابل رؤیت و معنوی و غیر مادی بر جسم قربانی باقی می‌گذارد و نظر به بخش عنصر نتیجه از رکن مادی دارند. «بر اساس این تعاریف می‌توان فعل غیرمادی را به فعلی که بدون اصابت با جسم مجنی‌علیه و با وارد آوردن صدمه غیر ملموس و غیر قابل رؤیت موجب مرگ او گردد، تعریف نمود. تیر زدن، خفه کردن، سم خوراندن، پرتاب کردن از بلندی، چاقو زدن و مانند آن، به علت اصابتی بودن و نیز وقوع مرگ بر اثر صدمه مادی، فعل مادی، و فریاد زدن، ترساندن و به هیجان انداختن، به علت عدم اصابت و نیز ورود صدمه معنوی، افعال غیرمادی دانسته شده‌اند. در حقیقت در این معیارها، برخورد با جسم مجنی‌علیه و ورود صدمه مادی، به عنوان ضابطه تشخیص فعل مادی و عدم برخورد به جسم مجنی‌علیه و ورود صدمه معنوی، ویژگی فعل غیرمادی دانسته شده است. اما برخی افعال منجر به مرگ، بدون آنکه واجد هر دو ویژگی گفته شده برای افعال مادی یا غیرمادی باشند، از هر کدام از ویژگی‌های ارائه شده برای آن افعال، واجد یک ویژگی و فاقد ویژگی دیگر هستند. برای مثال، برخی افعال که به جسم مجنی‌علیه برخورد می‌کنند، با صدمه معنوی موجب مرگ می‌شوند: مانند پرتاب مجنی‌علیه از بلندی و مرگ وی در اثر ترس از اصابت به زمین یا تیرخوردن مجنی‌علیه و مردن او در اثر ترس و شوک از دیدن وضعیت خونریزی خود. در این دو نمونه، فعل به جسم مجنی‌علیه برخورد کرده است، اما صدمه وارده معنوی است و نه مادی و لذا نمی‌توان آن را ذیل عنوان فعل مادی بر اساس تعاریف فوق قرار داد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه فعل به جسم مجنی‌علیه برخورد کرده است و نظر به منوط کردن تحقق فعل غیرمادی به عدم اصابت به جسم مجنی‌علیه در تعاریف فوق، این نوع از فعل، فعل غیر مادی نیز نخواهد بود. از طرف دیگر، برخی دیگر از افعال ارتكابی نیز علی‌رغم عدم اصابت به جسم مجنی‌علیه، موجب صدمه مادی می‌شوند: مانند ترساندن مجنی‌علیه در فراز بلندی و سقوط و برخورد وی به زمین و مرگ او، که این مورد نیز بر اساس معیارهای فوق، فعل غیرمادی محسوب نخواهد شد. زیرا هرچند فعل به جسم او اصابت نکرده است، اما با توجه به مادی بودن صدمه، یکی از ارکان تعریف فعل غیرمادی مفقود بوده و نمی‌توان آن را فعل غیرمادی دانست. از طرف دیگر، این نمونه، فعل مادی نیز نخواهد بود؛ زیرا رفتار مرتکب در آن به بدن مجنی‌علیه برخورد نکرده است؛ در حالیکه اصابت به جسم قربانی از ویژگی‌های فعل مادی دانسته شده است.

در حقیقت این دو دسته کلی از افعال منجر به قتل در هیچ کدام از تعاریف فوق‌الذکر قرار نخواهند گرفت؛ زیرا در هر کدام از آن‌ها تنها یکی از عناصر تعریف فعل مادی و غیرمادی وجود دارد و لذا قابل تطبیق بر هیچ یک از فعل مادی یا غیرمادی نخواهند بود. محل نزاع، بررسی رفتار مرتکب به عنوان جزء اول عنصر مادی است؛ در حالیکه بحث از وارد آمدن صدمه مادی یا معنوی، ناظر بر عنصر نتیجه بوده که جزء دیگری از عنصر مادی است و لحاظ کردن این جزء در تعریف فعل، خلط بحث نتیجه در رفتار مرتکب است. به عبارت دیگر، با تعیین نوع صدمه، نمی‌توان به مادی یا معنوی بودن فعل حکم داد و نوع فعل و صدمه هر کدام جدای از دیگری قابل تقسیم و تفکیک می‌باشند.

به نظر می‌رسد معیارهای ارائه شده، تنها ناظر به نوع صدمه وارده هستند و نه ماهیت فعل ارتكابی و تمامی اشکالات گفته شده، ناشی از خلط نوع صدمه و برخورد، در نوع فعل می‌باشد. لذا بهتر آن است که در تعریف فعل مادی و فعل معنوی، اصابت به جسم قربانی و صدمه وارده را کنار گذاشته و ماهیت فعل را در نظر بگیریم. به عبارت دیگر، رفتار مرتکب را به صورت جدای از نتیجه بررسی کرده و آن را مورد بحث قرار دهیم. مطابق این ضابطه فعل مادی به فعلی گفته می‌شود که بروز و ظهور عینی و خارجی داشته و قابل درک با حواس (محسوس) باشد. در حقیقت این تعریف ناظر به ماهیت فعل است و نه اصابت و صدمه. لذا افعالی مانند ترساندن، شمشیر کشیدن، خفه کردن و چاپ اعلامیه دروغین فوت فرزند دیگری، صرف‌نظر از اینکه مرگ واقع شده به وسیله آنان در اثر صدمه مادی یا معنوی باشد، همگی فعل مادی محسوب خواهند شد؛ زیرا شمشیر کشیدن، داد زدن، خفه کردن، ترساندن و یا دادن خبر دروغ و نیز چاپ اعلامیه، همگی مادی و محسوس می‌باشند، هرچند برخی به جسم معینی علیه اصابت کرده و برخی بدون اصابت با جسم، موجب مرگ او شوند. با پذیرفتن این نظریه، مشکل عدم شمول تعریف فعل مجرمانه در قتل عمدی بر برخی مصادیق آن، برطرف شده و تمامی انواع قتل عمدی مشمول تعریف فوق قرار خواهند گرفت؛ زیرا در این ضابطه، فعل مادی از نقطه نظر ماهیت فعل و نه نتیجه، تعریف شده است. امری که موجب می‌شود تمامی صورت‌های خارج از تعریف فعل در قتل عمدی، در این تعریف جای گیرند. مطابق این تعریف می‌توان به تعریف فعل معنوی نیز پی برده و هر فعلی که عینیت نداشته و قابل درک با حواس انسان نباشد (غیرمحسوس) را فعل معنوی دانست» (محمد خانی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۷). همانطور که از این تعریف بر می‌آید مبنای این تقسیم‌بندی ماهیت فعل ارتكابی از سوی جانی مدنظر قرار گرفته است. ایرادی که بر این مبنا وارد است این می‌باشد که این مبنا با کمی دقت، ناظر به حالت فعلی است که به طور مستقیم از شخص ارتکاب می‌یابد؛ در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۵۰۱ ق.م.ا، این نوع فعل، به حالت فعل مستقیمی مرتکب نظر ندارد و فعل مستقیم شخص موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا همیشه مادی است.

با توجه به نظریات حقوقدانان و اشاره به ماده ۵۰۱ ق.م.ا، در خصوص تعریف فعل مادی و غیر مادی، به نظر می‌رسد، فعل مادی فعلی است که علت قتل، سبب و واسطه فیزیکی و مادی و قابل رؤیت و ملموس ناشی از فعل مرتکب است. در حالی که در افعال غیر مادی علت قتل، ناشی از سبب و واسطه غیر ملموس و غیر عینی که در پی فعل مستقیم شخص در قربانی ایجاد می‌کند، می‌باشد. بنابراین این نوع تقسیم‌بندی ناظر به رفتار مجرمانه تسبیبی قتل است که واسطه قتل، یک واسطه غیر عینی و غیر ملموس می‌باشد، اعم از اینکه فعل مستقیم مرتکب مادی است (مثلاً تیراندازی کرده است) یا غیر مادی است (مثلاً قتل از طریق سحر و جادو) یا اثر فعل ارتكابی و نوع صدمه مادی است (برخورد تیر به قربانی و قتل ناشی از برخورد تیر) یا غیر مادی است (قتل ناشی از فشار روانی). پس به جای کاربرد لفظ فعل غیر مادی در این خصوص، با دقت در ماده ۵۰۱ ق.م.ا، باید تسبیب را به تسبیب واسطاً مادی و تسبیب واسطاً غیر مادی، که ماهیت واسطه تعیین کننده نوع آن باشد، به کار ببریم و کاربرد فعل غیر مادی در این موارد صحیح به نظر نمی‌رسد. با توجه به مفهوم این فعل، مبنای تقسیم‌بندی فعل به مادی و غیر مادی جدا از ماده ۵۰۱ را باید ناظر به ماهیت این افعال بدانیم. با این فرض فعل مادی فعلی است که به شکل عینی و ملموس و قابل رؤیت از شخص در عالم خارج بروز پیدا می‌کند، در حالی که فعل غیر مادی حالت سکون و ایستایی است که در عالم خارج به شکل عینی و ملموس بروز پیدا نمی‌کند و نمی‌توان گفت شخص در حال انجام فعلی است و فعلی را مرتکب شده است مثل مورد سحر و جادوی واقعی که ساحر بدون اینکه فعلی از وی در خارج بروز پیدا کند ادعای تحقق نتایج در عالم خارج از طریق قدرت ماورایی می‌کند. آنچه منظور حقوقدانان در خصوص فعل غیر مادی می‌باشد این نوع افعال غیر مادی نیست، بلکه همان تسبیب واسطاً غیر مادی و غیر عینی است. بنابراین جایگاه این فعل تقسیم‌بندی به حالت زیر خواهد بود:

۱- فعل مادی: فعلی است که به صورت عینی، ملموس، مادی و قابل رؤیت در عالم خارج از مرتکب سر می‌زند بدون توجه به اینکه علت و سبب جنایت جدا از فعل ارتكابی، ناشی از برخورد یک امر مادی و قابل محسوس است یا غیرمادی و معنوی.

۱-۱- مباشرت: عبارت است از فعل مستقیم مرتکب نسبت به موضوع جنایت.

۱-۲- تسبیب: عبارت است از رفتار غیر مستقیم و مع‌الواسطه مرتکب نسبت به موضوع جنایت که اگر آن رفتار نبود نتیجه محقق نمی‌شد.

۱-۲-۱- تسبیب واسطاً مادی: آن است که واسطه و علت زمینه‌ای بین رفتار مرتکب و نتیجه واقع شده، یک واسطه ملموس، عینی، قابل رؤیت و مادی در عالم خارج است.

۱-۲-۲- تسبیب واسطاً غیر مادی موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا.: آن است که فعل مرتکب به صورت عینی و ملموس در عالم خارج محقق شده اما واسطه و علت زمینه‌ای بین این رفتار مادی مرتکب و نتیجه محقق شده، یک واسطه غیرمادی و غیر ملموس است.

۲- فعل غیر مادی: حالت سکون و بدون فعل مرتکب و غیر عینی وی در عالم خارج. بنابراین گذاشتن اسم فعل بر این اقدام به نظر صحیح نیست چون این حالت بی‌فعلی است.

## ۲- تحقق قتل عمدی با سحر و جادو به عنوان مصداق فعل غیر مادی

منظور ما از فعل غیر مادی در این قسمت، همان حالت بی‌فعلی است که در عالم خارج به شکل عینی و ملموس بروز پیدا نمی‌کند و نمی‌توان گفت شخص در حال انجام فعلی است و فعلی را مرتکب شده است مثل مورد سحر و جادوی واقعی که ساحر بدون اینکه فعلی از وی در خارج بروز پیدا کند ادعای تحقق نتایج در عالم خارج از طریق قدرت ماورایی می‌کند.

فقها در اینکه سحر و جادوگری حقیقت دارد یا نه اختلاف نظر دارند. یعنی آیا سحر تأثیر دارد به نحوی که به سبب آن حال شخص جادو شده دگرگون شود و آن شخص بیمار شود و بمیرد و به واسطه آن در آنچه جادوگر قصد کرده است اثری حاصل شود و یا اینکه حقیقتی ندارد، بلکه خیال محض و شعبده است؟ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۷۶/۱۵) برخی عقیده اول (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۷/۵؛ محقق حلی، ۱۳۸۹ش: ۴۳۷/۲؛ شهید ثانی، پیشین: ۷۵/۱۵) و برخی عقیده دوم را دارند (طوسی، ۱۳۸۷ش: ۲۶۰/۷؛ خویی، ۱۳۹۶ق: ۷/۲). در خصوص قابلیت تحقق قتل با سحر هم اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها قائل به این هستند که اگر کسی دیگری را سحر کند و آن شخص بمیرد دبه و قصاص ندارد و همچنین اگر اقرار کند که دیگری را عمداً با سحر کشته است، قصاص بر او واجب نیست و دلیل آن را اصالت البرائه و اینکه قتل نیاز به دلیل دارد، می‌داند. اما قائل به این هستند که ساحر در این خصوص از باب حد افساد فی الارض کشته می‌شود (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۳۰-۳۳۱). شیخ طوسی در المبسوط نظر دیگری را برگزیده است و اشعار می‌دارند که اگر ساحر اقرار کند که دیگری را با سحر کشته است و قصد قتل داشته باشد یا اقرار کند که نوعاً کشنده بوده است در این صورت قصاص خواهد شد (طوسی، ۱۳۸۷ش: ۲۶۱/۷).

برخی دیگر قائلند اگر به کشتن با سحر اقرار کند ملزم به اقرار خود است (محقق حلی، ۱۳۸۹ش: ۴۳۷/۲). در همین رابطه، یکی از فقهای معاصر، در صورت فوت مجنی‌علیه بر اثر ترس حاصل از سحر، مانند آنکه مجنی‌علیه در اثر سحر، گمان کند شیری به او حمله کرده است، قتل را عمدی و ساحر را قابل قصاص دانسته است (خویی، ۱۳۹۶ه.ق: ۷). با توجه به اینکه این فقیه

بزرگوار برای سحر حقیقتی قائل نیست (همان)، منظور وی تحقق فعل به شکل فعل غیر مادی نیست، بلکه فعل مادی تسبیبی واسطاً غیر مادی می‌باشد که به خاطر ارتکاب فعلی از سوی ساحر در عالم خارج از قبیل نشان دادن ورقه‌ها یا اشیاء دیگری و تداعی تصویری به شکل وهمی از این طریق در ذهن دیگری و در پی این حالت تداعی شده و هراس ناشی از آن یا هر حالت روانی دیگر منجر به مرگ وی، که به شکل واسطه غیر مادی است، می‌شود. در این زمینه در تحریرالوسیله آمده است: «اگر از طریق سحر کسی را به قتل برساند و از قبل بداند که این سحر سبب قتل او می‌شود قتل او وقتی عمدی است که از اول قصد کشتن او به همین طریق را داشته باشد وگرنه شبه عمد است، حال چه اینکه بگوییم سحر واقعیت دارد یا نه، و اگر سحری که او کرده نوعاً سبب قتل کسی می‌شود قتلش عمدی خواهد بود هر چند قصد کشتن وی را نداشته باشد» (خمينی، ۱۳۸۷ش: ۶۲۵).

آنچه در تحریرالوسیله برای تحقق قتل از طریق سحر لازم دانسته شده است سوا از حقیقت داشتن یا غیر حقیقی بودن آن، آگاهی جانی به اینکه سحر سبب قتل می‌شود، می‌باشد. به عبارتی وجود رابطه سببیت بین سحر و نتیجه مجرمانه را شرط تحقق قتل از طریق سحر دانسته شده است که آگاهی ساحر در احراز این رابطه سببیت نقش محوری دارد نه رابطه سببیت عرفی. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق این مسئله در تحریرالوسیله، فرقی بین سحری که ساحر اعمالی را به شکل فعل مادی یا فعل غیر مادی مرتکب شود، نیست و مهم وجود رابطه سببیت است که با توجه محوریت قرار گرفتن علم و آگاهی ساحر به اینکه سبب قتل خواهد شد، در خصوص فعل غیر مادی به علت عدم بروز عینی، تنها اقرار وی ثابت کننده خواهد بود که موافق نظر شیخ طوسی در المبسوط می‌باشد.

با توجه به قانون مجازات اسلامی و احراز رابطه سببیت به نظر باید قائل به تفکیک در خصوص ارتکاب قتل با سحر شد. اگر ساحر یا جادوگر با انجام اعمال و حرکاتی ملموس، موجب ترس قربانی گشته و فوت او را سبب شود، با توجه به اینکه مرگ، در اثر ترس از حرکات ظاهری و خارجی مرتکب صورت گرفته است، ملحق به فعل مادی تسبیبی واسطاً غیر مادی موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا. است. البته این موضوع در صورتی است که ساحر با انجام افعال مادی و قابل رؤیت و مجنی‌علیه به علت ترس از آن‌ها، فوت کند. مانند آنکه ساحر یا جادوگر، وسایل خود را طوری نمایان کند که موجب ترس مجنی‌علیه شود و البته این نمایان شدن قابل مشاهده و حس و به عبارت دیگر، مادی باشد. در حقیقت در این حالت، سحر در معنای واقعی خود به معنای تصرف غیرمادی در عوامل طبیعی به کار نرفته است، بلکه مرتکب، تنها به نوعی شعبده و تردستی مبادرت کرده است. اما در صورتی که ترس مجنی‌علیه از اعمال خارجی و بیرونی مرتکب نبوده، بلکه ادعا شود سحر و جادو باعث ترس مجنی‌علیه شده است، بدون آنکه این ترساندن قابل مشاهده باشد، عمل مرتکب فعل معنوی بوده و در آن حالت می‌توان از سحر در معنای واقعی آن سخن گفت.

در خصوص صورت فعل غیر مادی سحر نمی‌توان قتل را قابل تحقق با سحر دانست؛ زیرا برای تحقق قتل احراز دو موضوع ضروری است و بدون احراز آن قتل واقع نمی‌شود: یکی استناد فعل به مرتکب و دیگری احراز رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه. احراز استناد فعل به مرتکب امری است که نیاز به سنجش و بررسی دارد و تا زمانی که از مرتکب، حرکت جسمانی سر نزنند سنجش و بررسی برای احراز این امر نیز منتفی است. همانطور که عرض کردیم فعل غیر مادی در واقع بی‌فعلی است و مرتکب، هیچ حرکتی جسمانی قابل ملموس و عینی در عالم خارج از خود بروز نمی‌دهد و وقتی فعلی عینی و ملموس وجود ندارد نمی‌توان چیزی را به حساب مرتکب گذاشت. با این وضع احراز استناد فعل به مرتکب منتفی خواهد بود. وقتی فعلی عینی از کسی بروز نکند ما نمی‌توانیم دنبال احراز رابطه استنادی باشیم و اساساً بررسی این موضوع امری عبث خواهد بود و وقتی نمی‌توانیم قابلیت استناد فعل به مرتکب را احراز کنیم به طریق اولی احراز رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه نیز منتفی

خواهد بود. بنابراین انتساب قتل به ساحر که هیچ فعلی مادی مرتکب نشده، غیر ممکن است و نمی‌توان قتل را به ساحر نسبت داد. پس قتل از طریق سحر به شکل فعل غیر مادی قابل تحقق نیست و نمی‌توان ساحر را قاتل دانست. برخی از حقوق‌دانانی هم که منظورشان از فعل غیر مادی همان فعل مادی تسبیبی و اسطفاً غیر مادی می‌باشد اشعار می‌دارند: «اگر منظور از فعل غیر مادی اعمالی مثل سحر و جادو باشد، که ادعای تأثیر آن بر اثر عوامل ماوراءالطبیعه برود، این اعمال هیچگاه نمی‌تواند موجب انتساب مرگ یا ضرب و جرح به دیگری شود. بنابراین حتی اگر کسی اقرار کند که با استفاده از ابزاری یا ذکر اورادی موجب مرگ یا جراحت کسی شده است، محکوم کردن وی به ارتکاب جنایت ممکن نخواهد بود، مگر آن که قربانی با دیدن ابزار و وسایل سحر و جادو یا شنیدن اوراد شخص ساحر، از ترس قالب تهی کند» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۴).

### ۳- عناصر و ارکان تشکیل دهنده قتل عمدی با فعل مادی تسبیبی و اسطفاً غیر مادی

ما در این بخش به بررسی عنصر و ارکان تشکیل دهنده قتل عمدی با فعل تسبیبی و اسطفاً غیر مادی موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا. در حقوق کیفری ایران می‌پردازیم.

#### ۳-۱- رکن قانونی

عنصر قانونی فعل مادی تسبیبی و اسطفاً غیر مادی، ماده ۵۰۱ ق.م.ا. می‌باشد. این ماده اشعار می‌دارد: «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود». هر چند در ظاهر ماده ۴۹۹ ق.م.ا. هم با این ماده به لحاظ سبب منجر به قتل یکی به نظر می‌رسد اما ماده ۴۹۹، فعل مادی تسبیبی و اسطفاً غیر مادی نیست؛ زیرا عاملی که منجر به نتیجه جنایت در این ماده می‌شود ناشی از واسطه غیر مادی از قبیل هراس و رعب و دیگر حالات روانی نیست، بلکه حرکت یا دیگر افعال مادی که در پی هراس از مجنی‌علیه واقع می‌شود، می‌باشد. این ماده اشعار داشته: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسؤول است».

#### ۳-۲- رکن مادی

منظور از رکن مادی شامل رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع احوال لازم برای ارتکاب جرم، نتیجه و وجود رابطه سببیت بین رفتار فیزیکی و نتیجه است.

#### ۳-۲-۱- رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی این جرم انجام هر نوع فعلی است که منجر به برانگیخته شدن رعب و هراس در قربانی می‌شود. موضوع قابل بررسی در این خصوص، بالمباشره یا بالتسبیب بودن فعل مرتکب در این موارد است. فعلی که به این صورت واقع می‌شود قتل بالمباشره نیست، چون جنایت مستقیماً با فعل جانی واقع نشده است و در واقع فعل جانی باعث ایجاد رعب و وحشت شده و این رعب و وحشت هم باعث قتل مجنی‌علیه شده است و فعل مرتکب مستقیماً و بلاواسطه منجر به قتل نشده است. علت مستقیم مرگ فعل مرتکب نیست، بلکه رعب و هراس برانگیخته شده در قربانی است که علت آن، رفتار مرتکب می‌باشد. با این استدلال و بالتسبیب خواندن آن، قتل موضوع ماده ۵۰۱ ق.م.ا. یا عمدی است یا شبه عمدی؛ زیرا افعال به تسبیب برخلاف مباشرت، در

فرض تقصیری بودن مسئولیت زاست و هر فعلی که مبتنی بر تقصیر باشد طبق بند پ ماده ۲۹۱ ق.م.ا. شبه عمدی است مگر اینکه مشمول تعریف جنایت عمدی باشد. از طرز انشاء ماده ۵۰۱ هم این برداشت تقویت می‌شود. این ماده بیان داشته: «هر گاه کسی ... بر اساس تعریف انواع جنایت به قصاص یا دیه محکوم می‌شود»، که ناظر به پرداخت دیه یا محکومیت به قصاص از سوی مرتکب است نه عاقله.

### ۳-۲-۲- شرایط و اوضاع احوال لازم

برای تحقق قتل موضوع این ماده، ناشی بودن آن از رعب و وحشت قربانی و علت قتل، ترس ناشی از فعل مرتکب است نه خود فعل مرتکب. سؤال قابل طرح در مورد ماده ۵۰۱ ق.م.ا.، این است که آیا حکم آن را باید محدود به موارد ایجاد هراس و وحشت کرد یا شامل سایر حالات روحی و روانی مثل ایجاد شوق، هیجان، اضطراب و شادی زایدالوصف، هم می‌شود؟ (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۳)، اگر شخصی عالماً عامداً خبر ناگواری؛ خواه واقعی و یا غیر واقعی همانند فوت بستگان نزدیک و یا آتش گرفتن اموال را به وسیله نامه، تلفن، فاکس و یا رایانه به دیگری اطلاع دهد و سبب بروز صدمه بر او گردد، آیا می‌توان این فرد را به اتهام ایراد جنایت تحت پیگرد و مجازات قرار داد؟ (سپهوند، ۱۳۸۵: ۴۲) در این خصوص بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد و به طور عمده سه عقیده وجود دارند:

عده‌ای معتقدند «با توجه به پذیرش امکان تحقق قتل در نتیجه هراس و وحشت در این ماده، می‌توان گفت که منظور مقنن از اشاره به «انجام کار» در ماده ۲۹۰ ق.م.ا.، اعم از افعال مادی یا غیر مادی بوده است. به علاوه دلیلی برای محدود کردن اعمال غیر مادی به موارد «هراس و وحشت» وجود ندارد، بلکه این اعمال می‌تواند شامل موارد ایجاد هیجان، اضطراب یا باعث مرگ وی شدن، خبر دروغ برنده شدن وی را در یک مسابقه بخت آزمایی بزرگ به وی بدهد، یا با دروغ وی را از بازگشت تنها فرزند او، که سال‌ها مفقودالاثراثر بوده است، مطلع نماید» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۴). این نظر موسع‌ترین تفسیر از ماده ۵۰۱ ق.م.ا. نسبت به دیگر نظرات می‌باشد. این نظر علی‌رغم موسع بودن، تفسیر منطقی می‌باشد به شرطی که رابطه سببیت بین فعل مرتکب و ایجاد هیجان و اضطراب و مرگ وجود داشته باشد. رابطه سببیت عرفاً وقتی حاصل می‌شود که کاری که منجر به ایجاد رعب، هراس، هیجان و اضطراب یا دیگر حالات روانی منجر به قتل شده است، امری غیر قانونی و غیر متعارف و واهی و غیر واقعی باشد که این امر با توجه به تسبیبی بودن این قتل و نیز مصادیق مذکور در ماده قابل توجیه است. بنابراین کسی که خبر ناگواری را به طرزی که عرف آن را تأیید می‌کند یا آن خبر واقعی و حقیقی بوده باشد را به کسی اطلاع‌رسانی کند و آن شخص در اثر هیجان یا از شدت ناراحتی و دیگر حالات روانی، بمیرد و آن رابطه سببیت را بر قرار دانست و حکم به تحقق قتل داد. اما کسی که خبر غیر واقعی را به دیگری اطلاع‌رسانی کند و آن شخص در اثر این اطلاع دادن دچار هیجان شدید شده و منجر به فوت شود، می‌توان حکم به قتل داد. مثل اطلاع دروغ پیدا شدن فرزند، به مادری که چند ماه است فرزندش گم شده است.

برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند: «ممکن است گفته شود که قانون‌گذار با ذکر عبارت «هر کار دیگری»، اعمال ارتكابی مندرج در این ماده را تمثیلی دانسته است اما مصادیق مورد نظر باید از نوع سلاح کشیدن، حیوانی را تحریک کردن، فریاد کشیدن و ایجاد انفجار صوتی باشد و صرف انجام هر کاری را نمی‌توان مشمول ماده مذکور دانست. از طرف دیگر با عنایت به مصادیق مذکور برای تحقق جرم، حضور فیزیکی جانی و مجنی‌علیه لازم است. بنابراین چنانچه شخصی با سوء نیت اقدام به اطلاع حادثه ناگواری به وسیله دستگاه‌های مخابراتی و یا وسایل ارتباطی به دیگری نماید و سبب مرگ او گردد به این لحاظ که میان چنین اعمالی با مصادیق مذکور، رابطه و سنخیتی وجود ندارد و اینکه حضور فیزیکی جانی و مجنی‌علیه نیز در محل حادثه، شرط تحقق چنین جنایاتی است، اعمال مذکور از شمول مقررات این ماده خارج می‌باشد». (سپهوند، ۱۳۸۵: ۴۳) این تفسیر مضیق‌ترین تفسیر



نسبت به بقیه تفاسیر از این ماده است که علاوه به ضیق آن به هراس و وحشت، موارد منجر به ایجاد رعب و هراس را هم از طریق و جرگه مصادیق مذکور در ماده ممکن می‌داند. اطلاق عبارت «یا هر کار دیگری» در این ماده مغایر با این نوع تفسیر است و دلیلی برای محدود کردن رعب و هراس از طریق مصادیق مذکور در این ماده نیست و همچنین قرینه‌ای بر لزوم حضوری بودن جانی و مجنی‌علیه موضوع این ماده نیست و آنچه لازم و کافی است وجود رابطه سببیت می‌باشد و دستگاه‌های مخابراتی در صورت منجر به رعب و هراس شدن مشمول این ماده خواهد بود.

برخی دیگر از حقوق‌دانان تفسیر بینابینی را برگزیده‌اند؛ به این نحو که وسیله در این ماده موضوعیت ندارد و وسیله مورد استفاده در ماده ۵۰۱ ق.م.ا. که تمثیلی هستند، دو نتیجه مترادف یعنی هراسیدن و مرعوب شدن را باید حصری محسوب و سایر نتایجی را از شمول ما خارج دانست. لذا تنش، استرس، خشم، هیجان یا شادی که در اثر اقدامات مشمول ماده ۵۰۱ ق.م.ا. واقع می‌گردد، حتی در صورت وجود رابطه سببیت، مادامی که مصداقی از هراس و رعب نباشد، مشمول این ماده نخواهد بود (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸).

### ۳-۲-۳- وقوع نتیجه

قتل از جمله جرایم مقید می‌باشد و برای تحقق آن فعل مرتکب باید منجر به صدمه و اذحاق النفس گردد تا بتوان شخص را به ارتکاب جنایات محکوم نمود.

### ۳-۲-۴- احراز رابطه سببیت

برای تحقق قتل وجود رابطه سببیت امری ضروری می‌باشد. آنچه اعمال ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی را با مشکل مواجه می‌کند، بحث اثبات رابطه علیت است. تحقق دو نتیجه ضروری است؛ یکی اثبات رابطه سببیت بین رفتار مرتکب با هراس و دیگری هم اثبات همین رابطه میان هراس و مرگ یا صدمه می‌باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۴۷). یعنی اثبات این مسئله که هراس ناشی از فعل مرتکب بوده و مرگ یا صدمه نیز در پی این هراس بوده است. با توجه به پیشرفت علم پزشکی احراز قسمت دوم مسئله کار مشکلی نیست اما اثبات صورت نخست کاری مشکل است به خصوص که اسباب مختلفی در ایجاد این هراس و رعب دخیل باشند. بحث عدم انتساب مرگ به صدمات معنوی، موجب اختلاف نظر بین حقوق‌دانان مختلف شده و برخی این نوع صدمات را صالح برای تحقق قتل عمدی دانسته و برخی دیگر اثبات این امر را ممکن ندانسته‌اند.

در حقوق فرانسه برخی با توجه به عدم اثبات رابطه سببیت میان این نوع افعال و مرگ، صلاحیت اینگونه افعال را برای تحقق قتل، مورد پذیرش قرار نداده‌اند (پرادل، ۱۳۸۶: ۴۴). در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا نیز رابطه سببیت بین افعال معنوی یا غیر مادی با قتل پذیرفته شده است. به عنوان مثال جایی که جانی با علم به ناراحتی قلبی دیگری او را عمداً به مرگ تهدید کند، قتل عمدی محقق می‌گردد (واین آر، ۱۳۸۳: ۳۹). بسیاری از حقوق‌دانان کشورهای عربی هم تحقق قتل با وسایل معنوی را ممکن می‌دانند (نوای، ۱۹۸۵م: ۲۷۵؛ عوده، ۱۹۶۸م: ۴۸-۴۹).

در فقه امامیه نیز این موضوع مورد اعتنای فقها قرار گرفته است. فقها عمدتاً از این نوع افعال، در حالت ترساندن شخصی توسط دیگری با فریاد زدن بحث کرده‌اند. در میان فقها مرحوم آیه الله خوبی صراحتاً مقرر داشته است: «هر کس به روی دیگری صیحه بکشد سپس آن شخص بمیرد، اگر صیحه زنده مرگ وی را قصد کرده باشد و صیحه در محلی باشد که عادتاً موجب قتل می‌شود و صیحه زنده بر آن علم و آگاهی داشته باشد پس قصاص بر اوست و در غیر این صورت دیه می‌پردازد. این امر وقتی است که استناد مرگ به صیحه محرز شود در غیر این صورت چیزی بر او نیست» (خویی، ۱۳۹۶ق: ۲۲۷). آنچه که برای تحقق قتل از طریق ارباب و صحیحیه از نظر این فقیه بزرگ مهم است، وجود رابطه سببیت می‌باشد بدون اینکه تفکیکی بین اشخاص بالغ و

نابالغ یا دیگر اشخاص قائل باشد. صاحب جواهر نیز پس از بحث در مورد تحقق یا عدم تحقق قتل عمدی با صیحه زدن مرتکب، خصوصاً در مواردی که غالباً کشنده نیست، ملاک را احراز رابطه استناد دانسته و صرف همزمانی و تقارن میان صیحه و مرگ مجنی علیه را کافی برای تحقق مسئولیت ندانسته‌اند در این حالت، در صورت شک در رابطه استناد نیز، مسئولیت مرتکب منتفی است و تنها زمانی که علم به وجود این رابطه حاصل شود، می‌توان مرتکب را مسئول دانست (نجفی، پیشین، ۵۸). در تحریر- الوسیله هم آمده است: «اگر به انسانی بالغ و غیر غافل نهیب بزند و او از آن نهیب به اصطلاح زهره ترک شود و بمیرد و یا پرت شود و بمیرد دیه‌ای بر او نیست مگر آن که یقین حاصل شود که مرگ او به خاطر همین نهیب بوده، که در این صورت اگر به قصد کشتن او نهیب زده قتل عمد است و قصاص می‌شود، وگرنه شبه عمد است و باید از مال خودش دیه بردارد و اگر بر طفل و یا بیماری و انسان ترسویی و یا غافل و بی‌خبری ناگهان نهیب بزند و باعث مرگ او شود علی‌الظاهر دیه ثابت است مگر آن که ثابت و معلوم شود که مرگ وی مستند به آن نهیب نبوده، که اگر قاتل به قصد کشتن او بر او نهیب زده باشد قتل عمد مرتکب شده و اگر قصد قتل نداشته باشد و چنین نهیبی نوعاً مرگ کسی را دنبال نداشته باشد یا خود او غافل از این باشد که ممکن است طرف از این صدا بمیرد قتل شبیه به عمد است، و از این باب است هر عملی که مرگ کسی مستند به آن شود که همان تفصیلی که گذشت در آن می‌آید، مثل اینکه شمشیر خود را به سوی کسی بکشد و او زهره ترک شود و یا سگ خود را به طرف او و به منظور ترساندن کیش کند و از قبیل ترساندن‌های دیگر» (خمینی، ۱۳۸۷ش: ۷۴۸-۷۴۹).

مرحوم امام بین زمانی که قربانی بالغ و غیر غافل است و قربانی طفل و بیمار و یا غافل، تفکیک کرده است و در احراز رابطه سببیت در خصوص حالت اولی اصل را بر عدم مسئولیت و در حالت دومی اصل را بر مسئولیت مرتکب گذاشته است اما در خصوص قابل تحقق بودن نسبت به هر دو دسته قتل را قابل تحقق دانسته است. مشاهده می‌شود که بین این نظر فقها در این مورد اختلافی با هم وجود ندارد و اختلاف آن‌ها، تنها در مورد اثبات رابطه استناد بین ترساندن و مرگ مجنی‌علیه است که هر کدام به نحوی آن را بیان داشته و از نظر آن‌ها قتل از طریق تسبیب واسطاً غیر مادی ممکن است. قانون مجازات اسلامی به پیروی از نظر این فقها در ماده ۵۰۱ قتل به تسبیب واسطاً غیر مادی را مورد پذیرش قرار داده است به شرطی که «... بر اثر این ارعاب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد...»، یعنی به شرطی که علت مرگ ارعاب ناشی از افعال مرتکب باشد و بین اینها رابطه سببیت برقرار و احراز شود. اداره حقوقی قوه قضائیه در این زمینه اشعار داشته: «چون در فرض مذکور در استعمال هیچ‌گونه آثار ضرب و جرح ظاهری در بدن متوفی (الف) وجود ندارد و پس از مشاجره لفظی، وی به داخل نانوایی جهت برداشتن فلز یا چوب جهت کتک زدن متهم رفته و بلافاصله موقع مراجعت از نانوایی در کنار درب حالش خراب شده و نهایتاً فوت نموده و پزشک قانونی علت فوت را بیماری ایسکمیک قلبی و عوارض آن تعیین نموده است، دلیلی بر رابطه سببیت وجود ندارد تا متهم در رابطه با فوت او مقصر باشد و او را مسئول مرگ و یا پرداخت دیه دانست؛ هر چند به واسطه مشاجره لفظی و درگیری، وفق سایر مقررات در صورت جرم بودن قابل تعقیب باشد» (نظریه مشورتی ۷/۷۶۲۰-۱۴/۱۰/۱۳۸۳). در این زمینه برخی از فقهای دیگر قائل به تفکیک شدند، که بدون اشاره به غفلت یا عدم غفلت فرد بالغ و عاقل، فریاد زدن بر او را مطلقاً موجب ضمان ندانسته و تنها در حالت صغیر یا معنون بودن مجنی‌علیه، مرتکب را ضامن دانسته‌است (ابن براج، ۱۴۱۱ق: ۲۱۶).

نتیجه‌گیری

در ادبیات حقوق کیفری، اصولاً فعل مادی فعلی است که با برخورد به جسم مجنی‌علیه و ایجاد صدمه مادی، موجب مرگ می‌گردد و فعل معنوی نیز فعلی غیراصابتی موجب صدمات روانی است. در این نوع تفکیک، آنچه مورد تأکید قرار گرفته، برخورد یا عدم برخورد به جسم قربانی و نوع صدمه‌ی وارده است؛ در حالی که برخورد یا عدم برخورد و نیز نوع صدمه‌ی وارده، ارتباطی به نوع فعل ندارد و چه بسا افعال کاملاً مشابه، منجر به نتایج مختلف مادی و معنوی شوند؛ همچنان که افعال واحد، نتایج متعدد مادی و معنوی متعددی به بار آورند. در حقیقت در این تعاریف، خلط بحث رفتار مرتکب در نتیجه‌ی مجرمانه صورت گرفته است: نوع فعل ارتكابی مربوط به قسمت اول عنصر مادی است که رفتار مرتکب می‌باشد؛ در حالی که نوع صدمه به جزء دیگری از عنصر مادی که نتیجه‌ی حاصله است، مربوط می‌شود. از طرف دیگر، تعاریف ارائه شده جامع نبوده و تمامی انواع فعل را در بر نمی‌گیرند؛ زیرا برخی افعال، از فعل مادی و غیرمادی واجد یک ویژگی و فاقد ویژگی دیگری که در تقسیم‌بندی بر اساس تعاریف فوق جایگاهی ندارند.

در تقسیم‌بندی نوع فعل در قتل عمدی باید ماهیت فعل را در نظر گرفت و ارائه‌ی معیار بر اساس برخورد و صدمه، در تمیز فعل مادی از غیرمادی صحیح نیست. فعل مادی بر اساس تعریف، فعلی است که به صورت محسوس ارتكاب یابد؛ صرف‌نظر از آنکه به جسم قربانی برخورد کرده و صدمه‌ی مادی یا معنوی وارد آورد. تیراندازی، چاقو زدن، داد زدن، خفه کردن در آب، با پوشش ترسناک بر یک بچه ظاهر شدن و مانند آن، همگی در این تعریف جای می‌گیرند؛ زیرا تمامی آن‌ها محسوس و قابل مشاهده‌اند. فعل معنوی یا غیرمادی نیز فعلی است که مادی و محسوس نبوده و ادعای تأثیر آن به صورت ماورای ماده و حس برود. بدیهی است که چنین فعلی جایگاهی در حقوق جزا ندارد؛ زیرا در حقوق کیفری فعل ارتكابی در قتل عمدی باید فعلی واقعی و فی‌الجمله صالح به تحقق نتیجه باشد، در حالیکه وجود و واقعیت این نوع از فعل و به طریق اولی، صلاحیت آن برای تحقق مرگ اثبات نشده است. سحر و جادو و مانند آن به عنوان مصادیق فعل معنوی، همگی قابل سنجش و ارزیابی نیستند و بدیهی است رابطه‌ی آن‌ها با مرگ نیز به لحاظ فنی قابل احراز نیست. زمانی می‌توان از فعل ارتكابی در قتل عمدی سخن گفت که صدور آن از اعضای مرتکب و سببیت آن برای مرگ قربانی محرز باشد که این دو، در مورد این نوع از فعل، قابلیت احراز ندارند. بدیهی است هرگاه بتوان وجود و صلاحیت آن‌ها را برای تحقق قتل مورد احراز علمی قرار داد، این نوع افعال نیز از جمله افعال ارتكابی در قتل عمدی لحاظ خواهند شد. اما آنچه حقوق‌دانان کیفری از فعل غیر مادی مد نظر دارند را ما تعبیر به فعل مادی تسبیبی و اسطفاً غیر مادی کرده‌ایم که به نظر می‌رسد بنا به دلایل ارائه شده، نسبت به استفاده از فعل غیر مادی اصطلاحی صحیح‌تر باشد.

## منابع

۱. آقای نیما، حسین (۱۳۹۳). جرائم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: انتشارات میزان.
۲. ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۱۱). جواهر الفقه، تحقیق از ابراهیم بهادری، قم: جامعه مدرسین.
۳. یاد، ابراهیم (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی، جرائم نسبت به اشخاص، تهران: انتشارات دانشور.
۴. پرادل، ژان (۱۳۸۶). حقوق کیفری تطبیقی، جرائم علیه اشخاص، ترجمه و تحقیق از مجید ادیب، تهران: انتشارات میزان.
۵. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۴). جرائم علیه اشخاص، صدمات جسمانی، تهران: انتشارات جنگل.
۶. حلبی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۳۸۹). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات خرسندی.
۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). میانی تکمله المنهاج، ج دوم، قم: انتشارات لطفی.
۸. سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶). جرائم علیه اشخاص، با همکاری حمید عسکری پور، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۹. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲). حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه اشخاص، ج ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۶). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۵، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). الخلاف، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، مکتبه المرتضویه.
۱۳. عوده، عبدالقادر (بی تا). التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، الجزء الثاني، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۱۵. محمد خانی، عباس (۱۳۹۳). «تأملی نو بر تعریف فعل مادی و غیرمادی در قتل عمدی»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۷۱-۹۳.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۷). تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۱۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
۱۸. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۹. نوآوری، عبدالقادر (۱۹۸۵). التشریح الجنائی الاسلامی فی الشریعه الاسلامیه و القانون الوضعی، دارالثقافه.
۲۰. واین آر، لفو (۱۳۸۳). قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، ترجمه حسین آقای نیما، تهران: نشر میزان.